

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

میزگرد کمونیست با

رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور

۵۷۴



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۲۸ آذر ۱۳۹۹ - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۰

## چراغ سبز خامنه ای برای مذاکره با آمریکا

صفحه ۱۱

جمال کمانگر

## پیام اردوغان در رژه نظامی باکو!

صفحه ۱۲

کریم نوری

## اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

اعلامیه حزب حکمتیست

## اعدام روح اله زم، ترور ارسال رضائی

## رویدادهای کردستان عراق

## حکومت ناسیونالیستی، چماق 'انترناسیونالیستی'

صفحه ۱۴

سیاوش دانشور

## دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی

## کلیه ساکنین ایران است!

## 'دست پخت'، فرهنگ تحقیر زحمتکشان

"از شغل بابات خجالت نمی کشی!!"

## اعلامیه حزب حکمتیست

## "انتقام سخت" خامنه ای از

## نوید افکاری

امروز پنجشنبه ۲۷ آذرماه، اوباشان خامنه ای انتقام سختی از نوید افکاری و خانواده داغدارش گرفتند. خامنه ای و حکومت اسلامی، این پاسداران نظم سرمایه و استثمار و بیحقوقی و بردگی، طی یک عملیات پیچیده در گورستان روستای سنگر، پدر و برادر وی، حسین افکاری و حمید افکاری را بازداشت و سنگ مزار تهیه شده برای نوید عزیز را منهدم کردند. نیروهای امنیتی خامنه ای در ماه های اخیر این خانواده داغدار را تحت فشار قرار داده بودند که حق ندارند روی قبر نوید سنگی نصب کنند. جمهوری اسلامی که نتوانست با پرونده سازی اراده پولادین نوید را درهم شکنند، او را سراسیمه با شکنجه نیمه جان به دار آویخت اما هنوز از نام و نشان این فرزند قهرمان طبقه کارگر برخورد می‌لرزد.

جمهوری اسلامی بر آن است که نباید نامی و نشانی از نوید افکاری باقی بماند. این در حالی است که همه جا نام نوید بر سر زبانهاست، هنرمندان مجسمه وی را می سازند و او به سمبل ایستادگی و تسلیم ناپذیری جنبش و نسلی بدل شده که خون هزاران شان هنوز بر سنگفرش خیابانهاست. این

صفحه ۲

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

## "انتقام سخت" خامنه ای

### از نوید افکاری ...

اقدام حکومت اسلامی جدید نیست اما در شرایط ویژه ایران بسیار خصلت نماست و کینه و دشمنی آشتی ناپذیر این حکومت با انقلابیون را منعکس می کند.

نوید عزیز و دوست داشتنی، تو از جنس همزمان ما در خاوران ها و "لعنت آباد" ها و "تف آباد" ها هستی. تو از تبار کارگران مبارزی هستی که در خاتون آبادها با گلوله های سرمایه بر خاک افتادند. آنها هم بزعم حکومت خمینی ها و خامنه ای ها نه قبری دارند و نه نام و نشانی! آنها هم از انکار شدگان اند! آنها هم از رازهای سر به مهر یک تاریخ نسل کشی اند! اما قلب یک جامعه با شماسست و اشک و بغض صدها هزار خانواده و کارگران همدرد شماسست. حکومت اسلامی حتی از نام نویدها وحشت دارد. "انتقام سخت" خامنه ای مفلوک و حکومت جنایتکارش از تو و سنگ قبر و خانواده افکاری گواهی این ادعاست.

ما در پس این سببیت اسلامی و ضدیت با کارگران و مردم گرسنه، قدرت و عظمت جنبشی را می بینیم که بزودی تومار این نظام ننگین را در هم خواهد پیچید. ما در سیاست ترور و آدم ربائی و اعدام و انکار هویت جمعی و فردی انسانها، وحشت و زبونی حاکمیتی را می بینیم که بسرعت زیر امواج خروشان طبقه کارگر و مردم بجان آمده به زباله دان تاریخ مشایعت خواهد شد. نوید عزیز، فرزند قهرمان طبقه کارگر، بگذار آنها از سنگ قبر تو هم برخوردارند؛ نام و عزم و اراده تو کران تا کران در سنگرهای خیابانی و مبارزه انقلابی زنده و برجاست!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۷ آذر ۱۳۹۹ - ۱۷ دسامبر ۲۰۲۰



مرگ بر جمهوری اسلامی!

# خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

(مراحل و محورهای کار ما)

## مقدمه:

جنبشی و عرصه ای برای مبارزات مردم و کمک به عروج و تامین هژمونی رهبران در محل در سطوح مختلف و تبدیل آنها به رهبران سراسری جنبش اعتراضی.

**ساختن حزب در داخل:** جلب و جذب رهبران و فعالین کمونیست جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال و محافل آنها به صفوف حزب. بر بطن گسترش شبکه محافل کمونیستی، ایجاد حوزه های حزبی دخیل در مبارزات و تحولات جاری موجود در کارخانه و محیط کار و محلات، دانشگاه و مدرسه، در میان جوانان و زنان، و عرصه های مختلف بسیار اساسی است. کلید مسئله قرار گرفتن کادرهای کمونیسم کارگری در راس شبکه محافل کمونیستی و حوزه های حزبی است. ارتباط محکم ما با این کادرها و هم خط و هم تصویر بودن آنها با سیاستهای حزب، این اقدامات میتواند منشاء سر و سامان گرفتن حزب پرنفوذ و جابجا کننده نیرو در هر محیطی باشد که این کادرها و این شبکه های کمونیستی حضور دارند. ابعاد دیگر سازمانیابی حزبی و ایجاد کمیته و ارگانها و نهادهای مناسب دیگر را بنا به تغییر اوضاع و در انطباق با شرایط باید در دستور گذاشت.

**سازماندهی توده ای، دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی:** نشانه های مساعد تغییر تناسب قوا به نفع گسترش سازمانیابی توده ای و کارگری قابل مشاهده است. دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی محور اصلی کار ما در این دوره است. تدوین و تبلیغ طرح حاکمیت شورایی و اعلام علنی آن.

ما مبتکر جنبش مجمع عمومی و شورایی هستیم. در عین حال از ایجاد کانونها و نهادها و اتحادیه در رشته ها و بخشهای دیگر بنا به ضرورت و توسط کارگران، استقبال میکنیم و مبتکر آن خواهیم شد.

**کنترل محلات:** خارج کردن نقشه مند محلات مختلف در شهرها از دایره اعمال قوانین و کنترل جمهوری اسلامی از طریق سازمان دادن مبارزه علیه جمهوری اسلامی توسط مردم متشکل و متحد حول شبکه هم بسته رهبران و فعالین پرنفوذ کمونیست، ایجاد شورای محله و تغییر تناسب قوا در شهرها مطابق یک برنامه زمان بندی شده و هماهنگ با سایر فعالیت های حزب.

**گارد آزادی:** احیا و گسترش ظرفیت و پتانسیل گارد آزادی. تشویق و ترغیب جوانان به ایجاد واحدهای گارد آزادی. بکار گرفتن امکانات جامعه برای تامین تجهیزات و امکانات آن.

**به حاشیه راندن افق و سیاست و موقعیت جنبش و احزاب ناسیونالیستی در کردستان.** خنثی کردن نقشه ها و طرحها و بند و بسته های سیاسی ضد مردمی احزاب ناسیونالیست. نقد مستمر و همه جانبه سیاستهای ناسیونالیستی و جریانات راست و ناسیونالیست و قوم پرست در کردستان. تعیین فوکوسهای سیاسی معین به منظور منزوی کردن احزاب ناسیونالیست. افشا و رسوا کردن طرح

اوضاع ایران به شدت متحول است. مبارزه علیه فقر و گرانی و برای تامین معیشت و سلامت میرمیت عاجل پیدا کرده است. جدال برسر قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی در صحنه سیاست ایران و از جمله در کردستان معنای بسیار زمینی و گسترده به خود گرفته است. پایان حاکمیت رژیم اسلامی و خارج شدن زودتر کنترل اوضاع از دست این حکومت، مشخصا در کردستان یک احتمال قوی است. سابقه و موقعیت و توانایی نیروی کمونیسم و چپ و آزادیخواه در کردستان یک پایه مهم قدرت کمونیستها و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است و میتواند نقش تعیین کننده ای در پیشروی کمونیسم و حزب ما در جدال سیاسی و طبقاتی برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی در کردستان و به تبع آن در سطح سراسر ایران ایفا کند.

حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن همان خط مشی و هدف سیاسی را تعقیب میکند که حزب در سراسر ایران برای تحقق آن میکوشد. حزب در عین حال با چشمان باز اوضاع متفاوت در کردستان را تعقیب میکند. در راستای جوابگویی به وظایفمان در کردستان نقشه مرحله بندی شده زیر را، با تعیین محورها و اولویتهای هر دوره ارائه میکند.

## مراحل کار ما

**۱- مرحله کنونی: تبدیل شدن به حزب قدرتمند و جابجا کننده نیرو در جامعه:** جنبش کارگری و کمونیستی و حزب ما در جامعه کردستان دارای موقعیت اجتماعی و سیاسی جدی و انکار ناپذیر است. اما این موقعیت و پتانسیل هنوز به تمامی به توانایی عملی و متشکل و سازمانیافته، تبدیل نشده است. کل انرژی کمونیسم کارگری و عرصه های مبارزاتی حزب را در کردستان باید در نقشه ای فوری و هماهنگ به کار گرفت. در این راستا:

## - محورهای کار مادر این دوره:

**- نمایندگی کردن پلتفرم "نه" مردم به کلیت جمهوری اسلامی در اعتراضات جاری.** بر این اساس بسیجگری اجتماعی و توده ای حول "سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری و رفاه همگانی" و "علیه فقر و فلاکت و بیکاری"، "تامین معیشت و سلامت" و دیگر شعارهای کنکرت و بسیج کننده سیاسی و اقتصادی در جنبش اعتراضی کارگری و توده ای در دستور عاجل کار ما است.

**- تامین رهبری جنبش اعتراضی و انقلابی از طریق:** الف- ناظر شدن پلتفرم و شعارهای متحد کننده و رادیکال بر این مبارزات، تلاش برای عروج دادن حزب به عنوان بخش لایتجاری مبارزات کارگری و توده ای جاری (جنبش کارگری، جنبش اعتراض عمومی، جنبش زنان، جوانان، معلمان). ب- تامین رهبری سراسری و محلی این مبارزات. به این معنا

۱- عروج رهبران و شخصیتهای با اتوریته حزب در کردستان به عنوان رهبران درگیر در مبارزات اجتماعی. ۲- ابراز وجود موثر و اجتماعی فعالین جنبش کارگری، جنبش زنان، جوانان و معلمان و دیگر جنبشهای اعتراضی، تلاش برای تامین رهبری در همه سطوح محله ای، شهری،

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

(مراحل و محورهای کار ما) ...

و- ایجاد و سازماندهی مجامع عمومی و شوراها و دیگر سازمانهای توده‌ای رادیکال را وسیعاً باید گسترش داد.

و- خنثی کردن توطئه‌ها و بند و بستهای احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد و جمهوری اسلامی. داشتن سیاست و تاکتیکهای روشن در تناسب قوای مختلف در مقابل احزاب سیاسی مختلف. یک بخش مهم کار در این دوره تلاش برای متعهد کردن سیاسی و عملی احزاب به مفاد بیانیه ای که مانع وقوع سناریوی سیاه در کردستان شود.

۳- **مرحله نهایی: پایان حاکمیت جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی مردم در کردستان**

- در این مرحله سرنگونی جمهوری اسلامی و به دست گرفتن ابتکار عمل برچیدن همه دم و دستگاه و پیکره رژیم یک سیاست محوری است. براین اساس در هم آمیختن قدرت جنبش اعتراضی کارگران و مردم و توانایی سیاسی و نظامی کمونیسم و حزب برای یکسره کردن کار جمهوری اسلامی، و پایان دادن به حاکمیت آن، محور کار ما است.

- برقراری حاکمیت شورایی مردم، به مثابه ارگان اعمال اراده و قدرت مستقیم مردم بر سرنوشت خویش. تدوین و اعلام برنامه حاکمیت شورایی از هم اکنون در دستور کار ما است.

- اعلام و تعهد به اجرای لایحه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان. تدوین و تکمیل آن بر اساس بخش دوم برنامه دنیای بهتر. اعلام لایحه های ضروری دیگر از جمله: "لایحه حقوق زنان"، "قانون کار" و ...

- ارائه پلاتفرم راه حل کارساز حل مساله کرد، متکی به سیاست مندرج در برنامه دنیای بهتر و قطعنامه مصوب حزب حکمتیست در این رابطه.

- سازماندهی نیروی مسلح شوراهای مردم، متکی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، این نیرو جایگزین نیروهای سرکوبگر و مافوق مردم میشود. به علاوه دخالت نیروی مسلح احزاب در تعیین سرنوشت مردم و تحمیل حاکمیت از بالا به جامعه، قویا مردود است.

- تلاش برای شکل دادن به همکاری موردی و مشخص نیروهای چپ و کمونیست در کردستان حول مفاد پلاتفرم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برنامه حاکمیت شورایی مردم، لایحه حقوق پایه ای مردم کردستان، پلاتفرم راه حل مساله کرد.

(مصوب دفتر سیاسی و کمیته کردستان حزب حکمتیست - اکتبر ۲۰۲۰)

\*\*\*

سیاه فدرالیسم و دارندگان آن. خنثی کردن تفرقه افکنی ناسیونالیستی و تلاش برای انتگره کردن مبارزات مردم در کردستان با مبارزات سراسری مردم ایران برای تامین آزادی، برابری، رفاه همگانی.

- **در افتادن هدفمند با جریانات سیاه سلفی گری، سنی گری و ارتجاع مذهبی**

- **کسب آمادگی برای اوضاع اضطراری:** با شل شدن و شکستن بیشتر اقتدار جمهوری اسلامی در سطح سراسری، به دلیل شرایط متفاوت سیاسی و مبارزاتی در جامعه کردستان، احتمال تعرض زودتر مردم برای برچیدن حاکمیت رژیم در کردستان وجود دارد. کمونیستها و حزب حکمتیست به عنوان نیروی فعاله و نه منتظر، با طرح و نقشه از هم اکنون فکر شده باید برای آن شرایط خود را آماده کنند. کسب آمادگی لازم برای اوضاع اضطراری و داشتن طرح برچیدن جمهوری اسلامی از اولویتهای مهم حزب حکمتیست و تشکیلات کردستان آن است.

۲- **مرحله بعدی؛ جابجایی عملی قدرت سیاسی:** فلج شدن بیشتر جمهوری اسلامی در بعد سراسری ایران، موقعیت جدیدی را در کردستان به وجود میآورد. در شرایطی که توانایی عملی جمهوری اسلامی در کنترل اوضاع بیشتر کاهش یابد، به نحوی که کارش به حکومت نظامی و آماده‌باشها و اوضاع اضطراری برسد، دوره اتفاقات مهم با دخالت فعال خود ما در کردستان فرا میرسد. از جمله:

- جنبش اعتراضی و مردم برای برچیدن جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع خیز برمیآیند. - دخالت احزاب سیاسی و مسلح برای سهم‌بری از قدرت و تعیین تکلیف قدرت وارد دوره جدیدی میشود. - توطئه‌ها و بند و بستهای جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی و احزاب ناسیونالیست علیه اراده مردم شروع میشود.

لذا در ایندوره با درهم آمیختن و هماهنگ کردن عرصه های اصلی مبارزه انقلابی (اقتصادی و سیاسی و نظامی) و اتکا به قدرت عملی و سازمانی و اجتماعی و نظامی حزب (گارد آزادی) و به میدان کشیدن مردم، برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی و خنثی کردن توطئه‌های ارتجاعی باید دست بکار شد. در این رابطه محورهای اصلی کار ما چنین است: الف - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به شیوه علنی، اجتماعی و نظامی و سازمانی در شهرهای کردستان ابراز وجود میکند. رهبران و شخصیت‌های با اتوریته در داخل مستقر میشوند. ب- با به میدان کشیدن جنبش اعتراضی کارگران، زنان و جوانان و مردم، جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار میدهیم. ج- ابتکار اجتماعی کنترل محلات و شهرها را باید در دستور گذاشت. سازمانهای توده‌ای مرتبط با حزب (سازمان آزادی زن، سازمان جوانان و ...) را در هر جا که ممکن است، مستقر کرد. د- ایجاد کمیته‌های حزبی و کمونیستی در کارخانه و مراکز کار و محلات و در سطوح مختلف را در دستور میگذاریم.

## خط مشی حزب کمونیسیت کارگری ایران - حکمتیست در کردستان

میزگردی کمونیسیت با رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور



با اینحال جوهر جهتگیری اصلی سند اینست: "اوضاع متحول سیاسی و مبارزاتی و جدال قدرت در صحنه سیاست ایران و مشخصا کردستان را باید دید و کارگر و کمونیسیم، نه نظاره گر، بلکه به عنوان نیروی دخالتگر و رهبر تحولات با نقشه آماده به استقبال آن بروند". واقع بینانه برطرفیت و توانایی جریان چپ و کمونیسیم و جنبش آزیخواهانه در کردستان

به عنوان پایه مهم قدرت جنبش کمونیسیتی و کارگری و حزب ما در سراسر ایران و در کردستان تاکید شده است. این سند همزمان محدودیتها و کمبودهای اساسی موجود ما را مشخص کرده و بر تحرک لازم و عاجل برای فایق آمدن بر این کمبودها انگشت گذاشته است. در بخش دیگری از سند راههای پیشروی و مراحل کار و محورهای اولویت دار در هر مرحله تعیین شده که اینجا لازم به تکرار نیست و علاقمندان را به مطالعه مستقیم سند خط مشی حزب در کردستان مراجعه میدهم. به این ترتیب این سند قطب نمای روشنی برای فعالیتهای حزب در کردستان است.

در پاسخ به بخش دوم سئوالتان و مبنای مراحل تعیین شده در این سند، باید بگویم، برای حزب ما و هر حزب سیاسی جدی، جدال تصرف قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی، پروسه ساده، یک بعدی و یک خطی نیست، که تنها با ردیف کردن یکسری اقدامات و در بهترین حالت تبلیغ و ترویج و آگاهگری بتوان مسیر پیشروی را تعیین و طی کرد. بلکه به درستی باید پیچیدگی های این مسیر را شناخت، توانایی ها و ناتوانی های جنبش و حزبمان را تشخیص داد، مراحل مختلف کار و استنتاجات منطبق برای هر دوره را ترسیم کرد. چنین نگرشی مبنای تعیین مراحل کار ما و محورهای مهم وظایف هر دوره حزب ما در کردستان است.

از نظر ما جنبش چپ و کمونیسیم در کردستان به طور کلی و مشخصا کمونیسیم کارگری نیروی دخیل در صحنه سیاسی است. نقطه عزیمت ما اینست طبق نقشه روشنی تواناییهای این جنبش را در کشمکش سیاسی و اجتماعی مادیت بخشیم. مساله اینست بر بطن استراتژی عمومی حزب برای سرنگونی جمهور اسلامی و سازمان دادن انقلاب کارگری، قدرت اجتماعی کارگر و کمونیسیم و آزادیخواهی را در کردستان چگونه به صحنه سیاسی بکشیم. در جدال مستقیم قدرت در کردستان علیه جمهوری اسلامی و علیه ارتجاع ناسیونالیستی و مذهبی چگونه عمل کنیم. سند خط مشی حزب در کردستان حاصل مباحث ما و تجربه جنبش ما در پاسخ به این مسائل گرهی است. برنامه عمل ما مرحله به مرحله میخواد این توان و نیرو را به میدان بگشود. بر این اساس در مرحله کنونی تلاش ما اینست جنبش و حزب ما به عنوان نیروی دخالتگر و جابجا کننده نیرو موقعیت خود را در جامعه تثبیت کند. در این رابطه وظایف روشنی را باید به سرانجام برسانیم. در مرحله بعدی بر بطن فلج شدن بیشتر جمهوری اسلامی در سطح سراسری، پروسه برچیدن جمهوری اسلامی از شهرهای کردستان در دستور قرار میگیرد. وظایف آن

**کمونیسیت هفتگی:** سند خط مشی حزب حکمتیست در کردستان مصوب دفتر سیاسی و کمیته کردستان حزب اخیرا منتشر شد. ضرورت تدوین و ارائه این خط مشی پایه ای و بطور مشخص در کردستان چه بود؟ جهت گیری اصلی آن و مبنای مرحله بندی تعیین شده در این سند چیست؟

**رحمان حسین زاده:** ضرورت تدوین خط مشی حزب و تشکیلات کردستان حزب به طور فشرده در مقدمه سند مطرح شده است. تاکید سند اینست "اوضاع ایران به شدت متحول است. مبارزه علیه فقر و گرانی و برای تامین معیشت و سلامت مبرمیت عاجل پیدا کرده است. جدال برسر قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی در صحنه سیاست ایران و از جمله در کردستان معنای بسیار زمینی و گسترده به خود گرفته است. پایان حاکمیت رژیم اسلامی و خارج شدن زودتر کنترل اوضاع از دست این حکومت، مشخصا در کردستان یک احتمال قوی است." در نتیجه برای پاسخگویی به این وضعیت داشتن تصویری روشن از کارمان و دورنمای آن، از مسیری که طی میکنیم و جوابگویی درست به وظایفی که در هر مقطع پیش رو داریم، لازمه پیشرفت فعالیت حزب و تشکیلات کردستان حزب است که ظرفیت ایفای نقش مهم در تحولات جامعه را دارد. به ویژه زمانی که در همین فضای سیاسی، جنبش بورژوا ناسیونالیستی و احزاب آن با تقلای فراوان و به کمک ارتجاع منطقه، به طور مستمر کل افق و استراتژی و نقشه و اقدامات ارتجاعی خود را برای تصرف قدرت سیاسی شب و روز به جامعه کردستان پمپاژ میکنند. در چنین وضعیتی جنبش کمونیسیتی و کارگری و حزب حکمتیست به عنوان بخش متحزب این جنبش با افق و استراتژی و نقشه و اقدامات روشنی مسیر تصرف قدرت سیاسی توسط کارگر و کمونیسیم و حزب پیشرو آن را ترسیم میکند. این هم مولفه ضروری دیگر تدوین این سند است. اینکه چرا این سند مشخصا در رابطه با کردستان تدوین شده، اولاً به این دلیل، ما در آخرین کنگره حزب (کنگره نهم، نوامبر ۲۰۱۹) خط مشی سراسری حزب در اسناد مصوب آن کنگره را تدوین و ارائه کردیم و ثانیاً حزب ما به این فاکتور توجه دارد. از مقطع انقلاب ۵۷ به بعد، به دلیل تناسبات قوای متفاوت سیاسی و مبارزاتی به وجود آمده در چهار دهه عمر جمهوری اسلامی، احتمال بروز روندهای متفاوت در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی در کردستان وجود دارد، در نتیجه همانطور سند ما به آن اشاره دارد، با چشمان باز آن شرایط متفاوت را باید دید و برای پاسخگویی به آن آمادگی لازم را باید داشت. این سند تلاش دارد به این جنبه مهم مساله هم پاسخگو باشد. یک جنبه مهم دیگر ایجاد بیشترین همفکری و تلاش برای داشتن درک واحد از پراتیک سیاسی و اجتماعی و تشکیلاتی در میان رهبری و کادرها و اعضای حزب به ویژه فعالین داخل در دوره آینده فعالیت حزب در کردستان است. سند خط مشی حزب به این نیازها جواب میدهد. جهت گیریها و محورهای اصلی کار ما در سند خط مشی حزب در کردستان تعیین شده است. مبارزین آگاه و فعالین حزب با مطالعه سند که منتشر شده، با جهت و خط مشی مان آشنا شده و میتوانند قضاوت کنند.



سال متوالی به کمونیستها قدرت و اعتبار زیادی داده بود. هرچند تعداد زیادی از فعالین کمونیست و آزادیخواه را رژیم اسلامی دستگیر و تعدادی را اعدام کرد، اما هیچوقت نتوانست اراده آنها را بشکند. زندان های جمهوری اسلامی مملو از زنان و جوانان کمونیست بود و با تحمیل چند سال زندانی به آنها و اعدام کردن هرگز نتوانست اراده آنها را

بشکند. همه این مبارزات توده ای و سیاسی در شهرها و روستاها و مبارزه نیروی نظامی کومله، کمونیسم را به يك جریان مورد اعتماد کارگران و زحمتکشان تبدیل کرد.

تحولات اروپای شرقی و شکست و فروپاشی سرمایه داری دولتی و کمونیسم بورژوائی تأثیرات خود را بر کمونیسم در دنیا بطور کلی و فعالیت کمونیستی در ایران و کردستان داشت. حمله آمریکا به عراق و طلوع خونین "نظم نوین جهانی"، فعالیت کمونیستی و جریانات کمونیستی را تحت فشار قرار داد. ایندوره ما شاهد این تأثیرات و چرخشهای سیاسی در احزاب کمونیستی هستیم. جدایی از حزب کمونیست ایران و تشکیل حزب کمونیست کارگری و ادامه فعالیت در کردستان هم با توجه به تاریخ و اعتباری که کمونیسم داشت، در اشکال مختلف ادامه یافت و با ابتکارات جدیدی کمونیسم در کردستان برای متشکل کردن صفوف کارگران و مبارزین انقلابی و کمونیست به تلاش خود ادامه دادند. تشکل هایی برای دفاع از حقوق کودکان و دفاع از حقوق زنان و ... تشکیل شدند که نقش مهمی در فضای سیاسی جامعه به نفع کمونیسم و آزادیخواهی داشت. کمونیست ها به مناسبت های مختلف در تمام سوخت و ساز مبارزاتی بنفع کارگران و زحمتکشان حضور داشتند. این در حالی بود که مداوما تحت پیگرد و دستگیر شدن بودند.

در سال های اخیر تقریبا همه اول ماه مه ها را به اشکال مختلف برگزار کرده اند. برای آزاد کردن کارگران زندانی و فعالین سیاسی و جلوگیری از اعدام در صف اول مبارزه قرار داشته اند. به جرات میتوان گفت که در تمام فعالیت های مبارزاتی و دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان فقط کمونیست ها و چپ ها حضور داشته اند. در تمام این دوران جنبش کمونیستی در کردستان هم دچار افت و خیزهایی شده اما هیچ وقت تسلیم فشار و اختناق نشده است و هم اکنون این جنبش روشنتر از همیشه در صحنه اعتراضات با تمام کمبودها و مشکلاتی که برایش فراهم آورده اند حضور دارد.

در جواب به بخش دوم سؤالتان متأسفانه باید بگویم با تمام این مبارزات و زحمات و فداکاری کمونیست ها در مقابل یکی از هارترین رژیم های تاریخ بشری، مشکلات و محدودیت های زیادی برای جنبش ما ایجاد شده است. یکی از مهمترین این مشکلات سرکوب بی امان و مداوم کارگر و کمونیسم از طرف رژیم به درندانه ترین شیوه بوده است. رژیم اسلامی تعدادی از فعالین و رهبران و آژیتاتورهای کارگری را اعدام کرد، تعداد بسیاری در نبردهای نظامی جان باختند و هزاران نفر را در زندانها به اسارت کشیدند. یکی دیگر از مشکلاتی که در تضعیف کمونیسم در کردستان تأثیر داشته، انشعابات و جدایی هایی است که بدان تحمیل شده و گاها باعث یاس و ناامیدی شده است. از عوارض دیگری که تأثیر داشته، با توجه به نظامی شدن شهرهای کردستان و ضرورت و وجود فعالیت نظامی، محدودیت های خود را بر فعالیت

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران -

### حکمتیست در کردستان

میزگردی کمونیست با رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه

عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور ...

دوره در سند مشخص شده است. در مرحله نهایی پایان حاکمیت جمهوری اسلامی و کنترل اوضاع توسط کارگر و مردم و حزب ما و اعلام حاکمیت شورایی در دستور قرار میگیرد. هر یک از این مراحل بخشی از پرسپکتیو عمومی قدرتگیری هدفمند کارگر و کمونیسم و حزب کمونیستی ما در جامعه است. این مراحل به هم مربوطند، در عین حال تفاوت های وظایف کمونیستها در هر دوره تعیین شده است. اینکه فوکوسهای ما در هر دوره کدامست در سند خط مشی حزب در کردستان به روشنی به آن اشاره شده و لزومی به تکرار آن در اینجا نیست.

**کمونیست هفتگی:** در سند به سابقه و موقعیت و توانایی اجتماعی نیروی کمونیسم و چپ و آزادیخواه در کردستان اشاره شده، این موقعیت سیاسی و اجتماعی جنبش چپ و کمونیستی حاصل کدام تجربه مبارزاتی است؟ در عین حال در سند تأکید شده، "این موقعیت و پتانسیل هنوز به تمامی به توانایی عملی و متشکل و سازمانیافته، تبدیل نشده است". برای تبدیل این ظرفیت بالای کمونیسم به جنبش سیاسی و حزبی هدفمند، متشکل و سازمانیافته و موثر در جامعه چه کار میکنید؟

**صالح سرداری:** در جواب سؤال شما باید بگویم که موقعیت و توانایی کمونیسم در کردستان بیش از چهار سال سابقه دارد. بعد از اصلاحات ارضی شاه در دهه چهل و خلع ید از دهقانان، خیل عظیمی از آنها روانه شهرها شده و در حاشیه شهرها سکنی گزیدند. این روند به بزرگ شدن جمعیت شهرهای کردستان و شکلگیری طبقه جوان کارگر و مزدبگیر شد. در کردستان به موازات این تحول سیاسی و اجتماعی نسلی از کمونیست ها و سوسیالیست ها به فعالیت سیاسی در پیوندی عمیق با کارگران و زحمتکشان رو آوردند. این نسل از روشنفکران کمونیست در نقد کمونیسم موجود، یعنی مشی چریکی و توده ایسم به مشی مبارزه توده ای رو آورد، هرچند آن دوره عمدتا تحت تأثیر تفکر و نگرش مانوئیستی بودند. این نسل از کمونیست ها در شهرهای کردستان و دانشگاهها فعالیت میکردند، با کارگران و زحمتکشان رابطه عمیقی پیدا کرده و این باعث اعتماد و اعتبار کمونیست ها در میان مردم کردستان شده بود.

با انقلاب ۵۷ کمونیستها عمدتا در سازمان کومله و سپس در حزب کمونیست ایران متشکل شده و علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از دستاوردهای انقلاب به مبارزه ادامه دادند. دفاع قاطع کمونیست ها از منافع کارگران و زحمتکشان و مقاومت در مقابل یورش جمهوری اسلامی به کردستان، اعتبار کمونیست ها و نفوذ آنها را چند برابر کرد و به یکی از اصلی ترین نیروهای جامعه کردستان تبدیل شدند. همچنین از همان اوائل همزمان با مقاومت در مقابل جمهوری اسلامی، در مقابل زورگویی های حزب دمکرات کردستان نسبت به زحمتکشان ایستادند. از آزادی فعالیت سیاسی احزاب و جریانات و تشکل های مردم دفاع کردند. در شهرها علیرغم اختناق و فشار رژیم اسلامی فعالین کمونیستها ادامه داشت و به مناسبت های مختلف و از جمله با برگزاری اول ماه مه در چند



حزب سیاسی کمونیستی قدرتمند از کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی دفاع کنیم. کارگر و زحمتکش آن جامعه با متشکل شدن در تشکل های توده ای و قدرتمند کردن خود باید سرنوشت جامعه را در دست خود بگیرند.

**کمونیست هفتگی:** برای تقویت و محکم کردن سازمان حزب در داخل سند بر چه

پروسه و مولفه هایی تاکید دارد؟ بعلاوه این سند گسترش سازماندهی توده ای و مشخصا دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی را تصویر میکند. دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی در چه مکانها و عرصه های مبارزاتی و اجتماعی مورد نظر است؟ و تا چه اندازه زمینه های گسترش جنبش مجمع عمومی و شورایی مساعد است؟

**ملکه عزتی:** یکی از مولفه های اصلی حاکم بر سند تامین یک رهبری رادیکال و همزمان متحد کننده برای سمت و سو دادن به مبارزات جاری در جامعه است. سازماندهی، رهبری و ایجاد اتحاد در اعتراضات موجود از جمله اقدامات مهم و حیاتی برای حزب و طبعا کمیته کردستان حزب است. در این راستا است که این سند بر ایجاد و تحکیم سازمان حزب در داخل تاکید ویژه دارد.

روزانه شاهد اعتراضات اقشار مختلف اجتماعی هستیم. زنان، جوانان، کارگران و مردم محروم و خشمگینی که به طرق مختلف نارضایتی و نفرت خود را از این حکومت ابراز میکنند. این مبارزات و اعتراضات بخشا پراکنده میتواند بسیار موثرتر و قدرتمندتر خود را نشان دهد اگر اتحاد بین این اقشار محروم و تحت ستم تامین شود و یک رهبری واحد در راس آن قرار بگیرد. یکی از مهمترین مولفه ها در این رابطه جلب و جذب رهبران و فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای رادیکال و موجود در جامعه حول سیاست کمونیستی و حزب است. یکی از مهمترین اقدامات برای ساختن حزب در داخل ایجاد و پایه ریزی حوزه های حزبی است. دخالت این حوزه ها در رشد و گسترش مبارزات اعتراضی در مراکز مهم از جمله در کارخانه ها، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، میان انقلابیون کمونیست و نسلی است که از شرایط موجود به جان آمده است. ما در طی ۴ دهه حاکمیت حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی شاهد مبارزات زنان و مردان آزادیخواه در عرصه های مختلف بوده ایم. این اعتراضات بدون یک رهبری رادیکال و بدون سازماندهی منسجم میتواند سرکوب شوند، فعالینش دستگیر شوند و نهایتا بتوانند این صداهای اعتراضی را موقتا ساکت کنند. تغییر تاکتیک مبارزاتی در بزنگاه های حساس از وظایف مهم رهبری کمونیستی است. کادرهای کمونیست، کادرهایی که کمونیزم کارگری را نمایندگی میکنند وظیفه اولشان تامین این وظیفه مهم و انقلابی است.

یکی از نکات مهم دیگری که سند بر آن تاکید دارد سازماندهی توده ای و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی است. حزب ما در راس طرح و سیاست سازماندهی شورایی قرار دارد. ما از سالها پیش بر درستی این شیوه از سازماندهی تاکید کردیم و پرچمدار پرشور سنت شورایی بوده ایم. از نظر ما شورا مهمترین ارگان اعمال قدرت مستقیم و تصمیم گیری مستمر در سرنوشت مردم محروم راجع به مسائلی است که به زندگی و حیات خود آنان مربوط است. شوراها از ارگانهای نفی شرایطی است که طبقات حاکمه بنا به نیاز و منافع شان به

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران -

### حکمتیست در کردستان

میزگردی کمونیست با رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه

عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور ...

کمونیستی تحمیل کرده است. نیازها و سنتهای فعالیت نظامی باعث شده که هم سازمان های درست شده ضربه بخورند و هم سبک کار کمونیستی در مقابل سنت های موجود کار تشکیلاتی تضعیف شوند.

اما با تمام این محدودیت ها و فشارها، کمونیسم و برابری طلبی در جامعه کردستان يك داده اجتماعی و جنبشی قائم به ذات است و در میدان مبارزات برای رسیدن به مطالبات و خواست های توده های کارگر و زحمتکش حضور دارد. این در حالیست که اعتراض و مبارزه در گوشه و کنار جامعه ایران ادامه دارد. این اعتراضات در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ با خواست حقوق پایمال شده کارگران و اقشار مختلف مردم زحمتکش، رژیم جمهوری اسلامی و هر دوجناح را به مصاف طلبید و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای همه شهرهای ایران را درنوردید. صدها رهبر عملی و اجتماعی و آژیتاتور کمونیست در اعتراضات کارگری ظاهر شدند و کمونیسم و طبقه کارگر را نمایندگی کردند. این در شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی هیچ راه برون رفتی برای عبور از بحرانهایی که دامنگیرش شده است ندارد و همزمان وظائف کمونیست ها چند برابر شده است.

در چنین اوضاعی آلترناتیوهای راست و ارتجاعی با امکانات فراوانی که در اختیار دارند، برای تحمیل خود به مردم ایران در تلاش اند و میخواهند بار دیگر بر موج مبارزات مردم سوار شوند. کمونیست ها و طبقه کارگر که بیشتر از همه برای پیروزی در فعالیت و تلاشند باید با دقت اوضاع را در نظر داشته باشند. در کردستان هم نیروهای راست و ارتجاعی برای آینده خود را سازمان دادند و آماده کرده اند. آنها با در اختیار داشتن امکاناتی که برایشان فراهم کرده اند، میخواهند در فردای سرنوشتی جمهوری اسلامی خود را بر مردم کارگر و زحمتکش جامعه کردستان تحمیل کنند و مانع دخالت مردم در سرنوشت خود شوند، همانطور که در کردستان عراق این اتفاق افتاد. بنظر من کارگران و زحمتکشان باید از سه دهه حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق درس و تجربه بگیرند، با متحد شدن در شوراها و تشکلهای مستقل و با دخالت خود، مانع هر نوع سازش و بند و بست از بالا شوند. باید با دقت اوضاع را زیر نظر داشته باشند، احزاب و جریانات سیاسی در کردستان را بشناسند، بدانند چه حزب و جریانی در همه شرایط بدافع از منافع کارگر و مردم زحمتکش و آزادیخواه در کردستان برخاسته، چه احزابی برای شریک شدن خود در قدرت منافع آنها را نادیده گرفته و زیرپا نهاده و در آینده نیز زیر پا خواهند گذاشت.

حزب حکمتیست و خطی که نمایندگی کرده، نشان داده که در طی چهل سال گذشته در دفاع از منافع کارگر و زحمتکش لحظه ای کوتاهی نکرده است و همواره در کنار اعتراضات و مطالبات کارگران و مردم زحمتکش حضور داشته است. بهمین دلیل کارگران و کمونیست ها را فرامیخوانم به این حزب بپیوندند تا با هم بتوانیم با درست کردن یک



اما طنز تلخ تاریخ اینست که علاوه بر دشمنی آشکار و عریان رژیم های مستبد و آدمکش سلطنتی و جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان، یک نیروی بورژوا- ناسیونالیست کرد که سنتا خوانین و سرمایه داران را نمایندگی کرده، تحت عنوان مبارزه با ستم ملی، بدون اینکه نمایندگی از جانب کسی داشته باشد، بعنوان قیم و ولی

مردم در کردستان ایران ظاهر میشود. حزب دمکرات و جریانهای ناسیونالیستی کرد، با هدف سهم خواهی از بورژوازی و شریک شدن با دولت مرکزی، پا به صحنه نبرد علیه مردم کردستان گذاشته است. هم اکنون کار بجایی رسیده که این رویارویی مستقیم را بعنوان آخرین حربه خود به مزایده بگذارند تا بلکه در پرتو آن مورد لطف و عنایت این رژیم آدمکش قرون وسطایی قرار بگیرند. در کردستان ایران این داد و ستد و معامله مخفیانه و از بالای سر مردم، توسط هر دو شاخه حزب دمکرات کردستان ایران و شرکا به قدمت عمر رژیم تا از ابتدا تا به امروز به تناوب در جریان بوده است. جنبش ناسیونالیستی کرد همواره ربطی به منافع مردمی که به نام آنان فعالیت میکند نداشته است، اما امروز نه تنها در کمپ دشمنان مردم خواهان آزادی و برابری جای گرفته اند بلکه آشکار و عریان شمشیرها را از رو بسته اند. احزاب ناسیونالیست کرد، همراه و هم جهت با سیاست و منافع دولتهای مرتجع و فاشیست منطقه، می کوشند جامعه کردستان را از رسیدن به یک زندگی شاد و مرفه و انسانی محروم سازند. هر روزه به بهانه های پوچ و وعده و وعید های دروغین عملا سیاست رویارویی و مقابله با مردم را دامن میزنند، سیاستهایی که تنها مخاطرات و ناامنی بیشتری برای مردم کردستان ببار می آورد و با نفرت پراکنی ملی تلاش دارند از هم اکنون خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه جامعه را منکوب کنند.

مردم کردستان چگونه باید این مانع بزرگ را از سر راه خود بردارند؟ مساله قدرت گیری و دستیابی به آن، اولین و اساسی ترین حلقه ای است که مردم کردستان باید به آن فکر کنند و روی آن فوکوس نمایند. سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و باز داشتن احزاب ناسیونالیست از دستیابی به قدرت در کردستان، تنها راهی است که مردم کردستان و سراسر ایران باید به آن دست یابند. بدون سرنگونی تمام و کمال جمهوری اسلامی، مردم کردستان و سراسر ایران از انقیاد سیاسی و بردگی اقتصادی رها نخواهند شد و روی خوشی از زندگی نخواهند دید. نظام سرمایه داری امروز جهان در همه اشکال و ابعاد خویش با خشن ترین شکل و سیاستها به زندگی مردم کارگر و کارکن جامعه حمله می کند و پاسخ اعتراض به فقر و گرسنه نگاهداشتن را با گلوله جواب میدهند. مردم برای رسیدن به یک زندگی شایسته انسان باید با مبارزه برای سرنگونی رژیم، منزوی کردن سیاست ضد کارگری و ضد انسانی احزاب ناسیونالیست قدم پیش بگذارند و بی محابا آنها را افشا و رسوا کند و اجازه ندهند با قیمومیت از طرف مردم بر سر این زخم کهنه ستم ملی، به داد و ستد و معامله با رژیم های ارتجاعی و فاشیست مسلک در ایران ادامه دهند. باید با افشاگری مستمر خود احزاب ناسیونالیست را از سیاست تیولداری و قیم گیری برحذر دارید و سرنوشت خویش را با دست خودتان رقم بزنید. باید حل مساله ملی در کردستان ایران را با تصمیم و رای آزادانه خودتان یک بار برای همیشه به پایان برسانید. مردم کردستان لیاقت و شایستگی آن را دارند در این شرایط بسیار ناهنجار زندگی لافل مثل مردم کشورهای پیشرفته تر بتوانند به

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران -

### حکمتیست در کردستان

میزگردی کمونیست با رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه

عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور ...

بخشهای فرودست تحمیل کرده اند. مجمع عمومی نهادی است که کارگران و اقشار محروم جامعه بتوانند اراده خود را اعمال کنند و نمایندگان منتخب و قابل عزلشان را برگزینند. در سالهای اخیر در این رابطه چندین مرکز کارگری و مشخصا هفت تپه راه را نشان دادند و ثابت کردند این شیوه قابل اجرا و عملی است. در کردستان شورا سابقه قدیمی تری دارد. شوراهای محلات برای هم نسلهای من نامی آشنا است. آن شوراها در زمان حمله مزدوران جمهوری اسلامی به کردستان و قبل از آن کل نیازهای محلات را تامین میکردند. کلاس آموزشی داشتند، جوانان انقلابی را سازمان میدادند که امنیت و آسایش محله را بعهده بگیرند. تامین امکانات بهداشتی و درمانی از کارهای مهم این شوراها بودند. بدون شورای محلات، شهر قطعا با وضعیت بسیار وخیمی روبرو بود. در شرایط مشخصی در سطح محلات این تجارب میتواند الگوی سازماندهی توده ای باشند و برای جلوگیری از تعرض و حملات مزدوران رژیم سدی ایجاد کنند. در مراکز کارگری بنظر من این شیوه سازماندهی امروز بیش از پیش قابل اجرا است. بهمین دلیل است که در سند بطور مشخص شوراها بعنوان یکی از راههای متحد کردن مردم و انسجام مبارزات و اعتراضات جاری مطرح میشود. در سطحی وسیعتر، شوراها سازمان اعمال حاکمیت در جامعه هستند. حاکمیت شورائی یک هدف اعلام شده کمونیسم کارگری است.

**کمونیس‌ت هفتگی:** جنبش ناسیونالیستی و احزاب آن مانع بزرگی در مقابل دستیابی جامعه به آزادی، برابری و رفاه است. برای منزوی کردن جنبش ناسیونالیستی و احزاب آن به چه روشها و اهرمهایی باید متکی بود و چه باید کرد؟ همین جا سوال دیگری را هم طرح کنیم، سند بر تحکیم و ایجاد بیشتر واحدهای گارد آزادی تاکید دارد، برای گسترش گارد آزادی فراخوان شما به جوانان و انسانهای علاقمند در داخل چیست؟

**عبدالله دارابی:** جامعه کردستان از نظر اقتصادی و سیاسی یک جزء در هم آمیخته و انتگره جامعه ایران است. به همین خاطر، پیوند و همسرنوشتی سراسری مردم در بخشهای مختلف ایران از جمله کردستان یک امر واقعی و انکار ناپذیر است. مضاف براین، واقعیات چهل سال اخیر جامعه ایران به خوبی نشان داده است که تلاش مردم در کردستان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، بدون یک اعتلای سیاسی سراسری در سطح کشور نامحتمل و غیر ممکن است. ولی علیرغم میل ما و این همسرنوشتی سراسری، روشن است که دولتهای مستبد سلطنتی و اسلامی، یکی پس از دیگری بنا بر منافع سیاسی خویش، به جامعه کردستان خون پاشیده اند و با ایجاد زخم عمیق بر پیکر آن، مردم آنرا از هرگونه حقوق اولیه محروم ساختند. لذا تا به امروز ستم ملی ادامه داشته و حل مسئله کرد بلا تکلیف باقی مانده است. از منظر ما کمونیست ها این مساله مهم قابل نظر کردن نیست و باید به آن جواب روشن سیاسی داد.





را از این تلاش انقلابی و آزادیخواهانه تان مطلع نمایید.

**کمونیست هفتگی:** جنبش اعتراضی در کردستان منفک از فضای جنبش اعتراضی در سطح سراسری نیست. چشم انداز جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه را چگونه می بینید؟ در سند بر مولفه های تامین رهبری کمونیستی در جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه اشاره شده، این مولفه ها کدامند و در این راستا جهت و اقدامات حزب چیست؟

**سیاوش دانشور:** جنبش اعتراضی در کردستان نه فقط از فضای جنبش اعتراضی در بقیه کشور جدا نیست بلکه در مواردی متکرر حرکت‌های اعتراضی پیشرو در یک جامعه شهری سرمایه داری است که تاثیر خود را در سیاست و حرکت اعتراضی رادیکال در مناطق دیگر ایران گذاشته است. مضافاً اینکه فعالین جنبشهای اعتراضی بویژه در شهرهای جنوب کردستان همواره در یک تعامل و ارتباط تنگاتنگ با فعالین تحریکات کارگری و آزادیخواهانه در سطح کشور و مراکز فعال تر مانند تهران بوده اند و برعکس فعالین جنبشهای اعتراضی رادیکال همواره به تحریک سیاسی در کردستان توجه ویژه ای داشته اند.

آنچه که فضای عمومی سیاسی در کردستان را از مابقی ایران تفکیک می کند این واقعیت است که جامعه کردستان جامعه ای حزبی و پلاریزه است. جامعه کردستان هیچوقت به رژیم اسلامی تمکین نکرد و علیرغم سرکوب مستمر و فضای امنیتی و میلیتاریزه برای سالهای طولانی بویژه در دهه شصت و بدرجه ای دهه هفتاد، واقعیات پایدارتر سیاسی در جامعه کردستان تغییری نکرده است. در عین حال در دو دهه گذشته در جامعه کردستان، رژیم اسلامی فرجه بیشتری به تحریک جریانات اسلامی و ناسیونالیستی پرو رژیم با هدف برهم زدن تعادل سیاسی در کردستان داده است. اما این سیاست در متن سرکوب خونین و ممنوعیت سازمانهای انقلابی، اگرچه در کوتاه مدت فرصتی برای ابزار وجود به این جریانات داده است اما نظر به واقعیات سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان و سنتهای مبارزاتی ریشه دارتر نتوانسته اطمینان خاطر برای رژیم اسلامی در کردستان فراهم کند. با هر درجه تغییر تعادل قوای سیاسی و در متن کارنامه ننگین و ضد اجتماعی نیروهای ارتجاعی ناسیونالیستی و اسلامی، بسرعت رادیکالیسم و برابری طلبی سوسیالیستی و کمونیسم در کردستان قد علم می کند. مشخصات کنکرت جامعه کردستان بما می گوید که بمجرد اینکه در مرکز مهار قدرت رژیم اسلامی شل شود، در کردستان شاید زودتر از هر جای ایران امکان سقوط حاکمیت اسلامی و یا خلأ قدرت حس خواهد شد و فرجه ای به جریانات سیاسی از جمله کمونیسم می دهد که این خلأ را پر کنند و یا زودتر از بقیه جاهای ایران احزاب سیاسی غیر قانونی در اپوزیسیون بتوانند با اتکا به نیروی خود در شهرهای کردستان حضور یابند.

چگونه باید رهبری اعتراضات را در سطوح مختلف تامین و تضمین کرد؟ رهبری امری اساساً سیاسی است که باید در سطوح مختلف سراسری و محلی تامین شود. تامین رهبری کمونیستی کارگری بطور مشخص تر حاصل جدال برسر آلترناتیوها و افقهای مختلف و دست بالا پیدا کردن سیاست سازمانگرانه کمونیستی بر اعتراضات جاری برای سرنگونی و آینده جامعه است. سند محورهای کار حزب در کردستان بر

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران -

### حکمتیست در کردستان

**میزگردی کمونیست با رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه**

**عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور ...**

حداقلی از دسترنج خویش دست یابند. برای متوقف کردن و خشکاندن آنهمه خون پاشی به جامعه کردستان، مردم کردستان باید اتحاد و وحدت داوطلبانه با مردم کشور را سرلوحه کار و مبارزات شان قرار بدهند و با اتکا به آن به حق انتخاب آزاد و بلامانع طی یک فرآیند به مانند در چهارچوب ایران با حق برابر یا جدایی رای بدهند.

ایجاد شوراهای در محل کار و زیست یکی دیگر از اقدامات مهم و جدی مردم کارگر و زحمتکش در کردستان است که بایستی از همین حالا بعنوان بدیل و آلترناتیو جدی بعد از رژیم اسلامی، در مقابل آلترناتیوهای معرفه بورژوازی چون پارلمان، قرار بگیرد و به اتکا به آن بتوانید اعمال اراده جمعی خودتان را در تقابل با هر بدیل سرمایه دارانه و استثمارگرانه بکار ببندید. بدون ورود به این جدال طبقاتی و پیروزی در آن، تضاد اساسی جامعه سرمایه داری، تضاد کار و سرمایه در عصر حاضر باقی خواهد ماند و هیچ تغییر و تحولی در زندگی مردم بوجود نخواهد آمد. هر تغییر و تحول مثبت در زندگی مردم در درجه اول مستلزم این تحول بنیادی است که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و حزب حکمتیست مجدانه و با تمام توان از آن حمایت میکند.

گارد آزادی: در شرایط حاضر، تأمین امنیت و ابزارهای دفاع از خود، یکی دیگر از رکن های ضروری است که جامعه ایران بشدت به آن نیاز دارد. چون به یمن وجود حاکمیت جمهوری اسلامی، سایه شوم ناامنی نه تنها در ایران، بلکه در کل خاورمیانه و بعضاً در اروپا و آمریکا نیز گسترش یافته است. مردم کارگر و زحمتکش، بدون دفع و خنثی کردن این سایه شوم، در هیچ زمینه ای قادر به پیشروی نخواهد بود. تحکیم و گسترش گارد آزادی به معنای یک عرصه کاری همینجا و به همین منظور مطرح است که بویژه در دوره خیزشهای توده ای نیاز به آن صدچندان برجسته میشود. ناامن کردن جامعه توسط رژیم، نه تنها روی حذف فیزیکی مستقیم انسان ها بلکه روی چرخه پیشروی در همه عرصه های زندگی بویژه تولیدی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر گذاشته است. جامعه بدون توان و پتانسیل دفاع از خود قادر به پیشروی نخواهد بود.

نیروی گارد آزادی، بعنوان یک عرصه کاری تنها خاص و ویژه کردستان نیست، سراسری است و به کل طبقه کارگر و همه مردم تشنه آزادی و خوشبختی در سراسر ایران مربوط است. در نتیجه، مکان این نیرو در داخل ایران و در محل کار و زیست خود مردم آزادیخواه قرار دارد نه در کوه و دشت، زیر زمینها یا کشورهای همجوار ایران. این نیرو، بدوا بر مبنای آشنایی و شناخت کامل آدمها با همدیگر در گروه های کوچک شکل و سازمان می یابد و در هر جا که لازم و ضروری باشد بویژه در کردستان مسلح خواهد شد. بدین خاطر جا دارد همینجا همه جوانان آزادیخواه و انقلابی را به پیوستن به گارد آزادی و تشکیل واحدهای گارد آزادی دعوت کنیم. به گارد آزادی بپیوندید و ما و جامعه

شعارهای متحد کننده که قدرت بسیج وسیعتری دارند در قبال سوالات کلیدی جامعه و حلقه های اصلی تاکید داریم. حزب در کردستان باید جز لایتجزا و در صف اول ایجاد این وحدت و قدرت آلترناتیو قرار گیرد. عبارات دیگر حزب و فعالین آن و کادرهای کمونیست با جنبش کارگری، جنبشهای برابری طلب و رفع تبعیض یکی شود و بیان فشرده و نوک نیز پیکان این جنبشها باشد. ما وارد دوره ای می شویم که نیازمند آنست که آژیتاتورها و رهبران کمونیست در هر گوشه جامعه در راس تحرکات اعتراضی و لولای اتحاد این نیروهای اجتماعی باشند و بعنوان نمایندگان و سخنگویان و رهبران با نفوذ کمونیسم ایران عروج کنند. همه اینها یعنی کمونیسم ایندوران باید در سطوح محلی، منطقه ای، شهری، سراسری، در راس اعتراضات رادیکال جاری و شوراها و سنت عمل مستقیم کارگری قد علم کند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست حزبی برای پاسخ به نیازهای ایندوره در متن مبارزه انقلابی و توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن چهارچوبهائی است که کل کمپ نیروهای ارتجاع سیاسی در ایران در تحلیل نهائی خواهان بازسازی و ابقای آنند. ما نیروی نفی این اوضاع هستیم و خود را در مقابل هر جریان و نیروئی خواهیم دید که در این کشمکش تلاش دارد صف مستقل کارگر و اعتراض رادیکال توده مردم زحمتکش را به نیروی ارتجاع سیاسی و جریانات بورژوائی بدل کند.

\*\*\*

## خط مشی حزب کمونیست کارگری ایران -

### حکمتیست در کردستان

میزگردی کمونیست با رحمان حسین زاده، صالح سرداری، ملکه

عزتی، عبدالله دارابی، سیاوش دانشور ...

همین اصول عام تاکید می کند اما روشن است که ما در باره کلیات حرف نمی زنیم بلکه در باره یک جامعه قطبی و متحزب در پروسه سرنگونی با جنبشهای مختلف و مشخصا در تقابل با جنبشهای ارتجاعی و ضد کارگری ناسیونالیستی و بورژوائی حرف میزنیم. بعنوان حزب در قلمرو سراسری و ماکرو روشن است چه میگوئیم و چه نمی خواهیم و تلاش داریم جامعه و سیر سیاسی به کدام سمت برود. اما این بمجرد اراده ما رخ نمی دهد، بلکه ضروری است در متن یک کشمکش دائمی و بیوقفه، فتح سنگرهای معین، داشتن برنامه روشن برای بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی، ایجاد سازمان و تشکیلاتهای مناسب اینکار با کادرهایی که به کل نقشه اشراف دارند، و مهمتر در متن یک مبارزه و پراتیک اجتماعی نیروی انقلابی و کمونیستی میتواند محقق شود.

ما از همین امروز بر تمایز صفوف چپ و راست جامعه، بر چکش زدن و تیز کردن خط و سنت مبارزاتی متمایز، بر تلاش برای جلب توده های هرچه وسیعتری حول راه حل و برنامه کارگری و کمونیستی، بر ضرورت ایجاد آمادگی لازم کادرها و فعالین جنبش مان، بر عروج رهبرانی که نماینده آزادیخواهی و تجسم مادی انتقاد کارگری و سوسیالیستی در جامعه باشند، تاکید داریم. کمونیسم چه در قلمرو سراسری و چه در کردستان باید به این نیازها پاسخ دهد. ناسیونالیسم و جریانات بورژوائی و متحدین اسلامی شان، امروز در بند و بست با حکومت و امیدوار به حمایت آمریکا و دولتهای مرتجع منطقه حساب باز کرده است. اینها ممکن است عبارات توخالی و شعارهای دهن پرکن هم در دوره خیزش های انقلابی برای سرنگونی سر دهند و یا قومگرایی و نفرت پراکنی ملی را سرمایه بسیج نیروهای واپسگرای جامعه کنند. در عین حال این "هنر" را دارند که با خانجانی نظامی و تحرکات تروریستی سرباز اهداف اسلاف ارتجاعی شان در ایران و منطقه شوند. کمونیسم کارگری و کمونیست ها در کردستان پیشاپیش باید راه حل شورائی و سنت عمل مستقیم توده ای و کارگری را برجسته کند، ابزار دفاع از خود و جامعه را تامین کند، در راس حرکتیهای اعتراضی و توده ای برای درهم کوبیدن ارکان حکومت اسلامی باشد، اولین نیروهای باشند که مراکز مهم قدرت را فتح و قدرت خود را هرجا و به هر میزان ممکن مستقر می کنند، در متن و در دل جنبشهای اجتماعی آزادیخواهانه و پیشرو به یک نیروی غیر قابل حذف و یک جریان اعتراضی قدرتمند اجتماعی بدل شود. برای اینها بدو رهبران عملی حرکتیهای اجتماعی باید خود را به این سطح برسانند و به نیازهای مشخص دوره انقلابی که تماما با دور قبل و بعد آن متفاوت است پاسخ دهند.

لذا ما از امروز و در متن مبارزه جاری بر ناظر شدن سیاستها و

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده

ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و

فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!



کرده اند که "اگر بتوان تحریم را رفع کرد حتی یک ساعت هم نباید تاخیر کنیم" به جز چند روزنامه و سایت تابلودار اصولگرا مانند کیهان شریعتمداری، جوان سپاه، رسالت و غیره همه جریان اصلاح طلب بوجد آمده اند. اینکه حول مذاکره با آمریکا آیا میشود دوباره سر مردم ایران کلاه گشادی گذاشت یا نه به مسئله روز همه رژیم تبدیل شده است.

"نرمش قهرمانه" شماره دو خامنه ای اینبار در زر ورق "با روش درست، عاقلانه، ایرانی-اسلامی و عزتمندانه" پیچیده شده است و قرار است مبنای سیاست رژیم برای دور باطل مذاکره و بده بستن با آمریکا باشد. اما مردم ایران علی العموم و طبقه کارگر علی الخصوص حق دارند سؤال کنند که مگر صدها میلیارد پول نقد که بعد از توافق برجام به جیب رژیم ریخته شد باعث زیاد شدن نانی به سفره کارگر و زحمتکش ایرانی شد؟

نه مذاکره و نه تخاصم رژیم با آمریکا فاکتور اساسی وضع موجود و گسترش فقر و فلاکت و بیکاری در ایران نیست. ما با تحریم اقتصادی اصولا مخالف هستیم و آنرا به عنوان سلاح کشتار جمعی علیه مردم محکوم میکنیم اما در زیر سایه همین تحریمها سرمایه دارها و پولدارها فربه تر شده اند. شکاف طبقاتی عمیق در ایران با مذاکره و برجام پرشدنی نیست. حتی اگر رژیم تن به جام زهر دیگری بدهد باز معضل تاریخی اقتصاد ایران لاینحل باقی میماند. مشکل اقتصاد، سیاست و فرهنگ در جامعه ایران بیرون مرزها نیست، بلکه این خود رژیم اسلامی است که باعث و بانی این وضع اسفبار برای اکثریت جامعه ایران است. شرط بهبود و عبور از این وضعیت سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی با نیروی متشکل و سازمانیافته مردم زحمتکش و در راس آنها طبقه کارگر است.

۱۷ دسامبر ۲۰۲۰

## چراغ سبز خامنه ای برای مذاکره با آمریکا

### جمال کمانگر

روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه ۹۹، خامنه ای در دیدار با خانواده و "استاد همایش بزرگداشت سالگرد" کشته شدن قاسم سلیمانی توسط آمریکا، محورهای اصلی سیاست رژیم در مقابل رئیس جمهور آتی آمریکا جو بایدن را اعلام کرد. خامنه ای برای اینکه فتیله عر و تیزها و کف چرانی فرماندهان نظامی رژیم را مبنی بر "انتقام سخت" را پایین بکشد و آنرا به نحوی روتوش کند، اولین "انتقام سخت" را حضور مردم در مناسک تشییع جنازه سلیمانی برجسته کرد و دومین "انتقام سخت" را شلیک چند موشک به پایگاه خالی شده آمریکاییان در عین الاسد برشمرد. اما اشاره به "انتقام سخت" از مسافران نگون بخت هواپیمای اکراینی که عمدتا ایرانی بودند نکرد!

خامنه ای آگاهانه کوچکترین اشاره ای به قتل محسن فخری زاده در این مراسم که وی بارها این پاسدار را دست راست قاسم سلیمانی اعلام کرده بود، نکرد و چراغ خاموش از کنار این قتل در نزدیکی تهران عبور کرد! و هیچ وعده ای مبنی بر انتقام نداد.

اما مهمترین بخش سخنان خامنه ای مربوط به ضرورت مذاکره در داخل و تلوینا با آمریکا بود. خامنه ای اینبار تحت نام "حفظ اتحاد ملی" خطاب به جناح اصلاح طلب و معتدل اعلام کرد: "مگر نمیگویید باید با دنیا مذاکره کرد، آیا نمیشود با عنصر داخلی مذاکره و اختلافات را حل کرد؟" این سخنان هر چند توسط کیهان شریعتمداری مخابره نشد! اما اغتشاش درونی رژیم را برای بقاء برملا کرده است. هم خامنه ای و هم جناح بندیهای رژیم از دیماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ به وسعت جامعه ایران شعار "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" را شنیده اند و نیک میدانند که مردم از هر دو جناح رژیم عبور کرده اند و امیدوی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای نیست.

سخنان خامنه ای در حالی مطرح میشود که به انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ نزدیک میشویم. هر دو جناح رژیم بر سر معرفی یک کاندیدای متحد کننده با همدیگر و پشت پرده در حال چانه زنی هستند. سخنان مصطفی کواکبیان "دبیر کل حزب مردم سالاری" خصلت نمای اوضاع آشفته رژیم در این مورد است. وی در سخنانی که روز پنجشنبه رسانه ای شد، گفت: "در انتخابات اسفند ماه همین بود، و ما واقعا هیچ کسی را نداشتیم و در مجلس آن موقع هم گفتم که هر چه ما با کاندیدا ور رفتیم ۷ نفر بیشتر برنیامد که بگوید یک ذره این آقا اصلاح طلب است و بتوانیم تو لیست بگذاریم." اصلاح طلبان اعلام کرده اند که از این انتخابات تنوری داغ نمیشود که ما نان بچسبانیم و قید آنرا میزنیم.

اما چراغ سبز خامنه ای به مذاکره با آمریکا با استقبال وسیع رسانه های وابسته به جریان اصلاح طلب در داخل کشور مواجه شده است. اکثر روزنامه ها و سایتهای این جریان ورشکسته این بخش را برجسته



## پیام اردوغان در رژه نظامی باکو!

کریم نوری

پایان جنگ در قره باغ سرآغاز تحرک سیاسی برای سهم بزرگتر از "نعمت" جنگ ارتجاعی تحمیل شده بر مردم در منطقه قفقاز جنوبی است. قدرت نظامی برتر دولت علی اف با حمایت اردوغان دولت پاشینیان در ارمنستان را مجبور به قبول شکست نظامی نمود. پایان موقت کشمکش نظامی در قره باغ فرصتی را برای "قهرمانان" فاتح بوجود آورد تا برای تثبیت پایگاه خود به نمایشهای همیشگی روی آورند. در بیستم آذر علی اف در شهر باکو "رژه پیروزی" ارتش جمهوری آذربایجان را سازمان داد. این اقدام از طرف علی اف بیشتر مصرف داخلی برای خلق سلاح بدنه نیروی نظامی داشت که بعد از توقف جنگ با سینه زنی و تجلیل از عاشورا و حسین در خیابانهای باکو رژه رفته بودند.

بیستم آذر در باکو "رژه پیروزی" جمهوری آذربایجان در جنگ با ارمنستان، با شرکت واحدهائی از ارتش ترکیه برگزار شد. در این نمایش علی اف از طرف رجب طیب اردوغان همتای ترکیه ای خود همراهی می شد. اردوغان در سخنرانی خود از آغاز عصر جدیدی در منطقه صحبت کرد. مراسم رژه نظامی پلاتفرم مناسبی برای اردوغان بود که رقبای خود را مورد خطاب قرار دهد و برایشان پیام بفرستد. شعر گویی اردوغان در این مراسم پیام واضحی برای حکومت اسلامی داشت که دریافت شد و عکس العمل جمهوری اسلامی را موجب شد.

نقش محوری ترکیه در تحولات قره باغ و دخالت ترکیه در جنگ داخلی سوریه و بی کلاه ماندن سر حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی را بر آن داشت که برای حفظ پایگاه خود در رقابت های منطقه ای تمهیداتی را در دستور بگذارد. تلاش حکومت اسلامی برای قرار گرفتن در کنار نیروهای نیابتی خود که در قامت اپوزیسیون علی اف تعریف می شوند را باید در این راستا دید. سخنرانی خامنه ای و بیانیه امامان جمعه اش در شهرهای آذربایجان با جانبداری از "امت مسلمان"

هدفش در صحنه ننگ داشتن نیروهای نیابتی خود در آذربایجان بود. تلاش علی اف برای حاشیه ای کردن اپوزیسیون خود و تحکیم حکومت فاسدش بر متن پیروزی نظامی در جنگ قره باغ با اعزام وزیر خارجه خود به ایران و دادن تضمین های لازم دست آوردی نداشت. حمایت آشکار دولت ترکیه از آذربایجان با شعار "ما یک ملتیم با دو دولت" در جنگ دولتهای



ناسیونالیستی منطقه جنوب قفقاز فرصت مناسبی را برای اردوغان پیش آورد که در رژه قوای نظامی در باکو تاکید دوباره بر سیاست قلندری نظامی خود برای احیای "خلافت عثمانی" در رقابت با دولتهای سرمایه داری غرب و رقبای منطقه ای خود داشته باشد. پیام اصلی شعر خوانی اردوغان در مراسم رژه نظامی باکو تهدید حکومت اسلامی برای دخالت در آذربایجان و در حمایت از حکومت علی اف بود. اردوغان با شعر "آراز، آراز" گرگ های خاکستری را به رخ کشید و حکومت اسلامی این تهدید را با "مسلمان علوی" جواب داد. حکومت اسلامی و اردوغان دقیقاً می دانند چه می گویند و چه می خواهند.

حکومت اسلامی که با بحرانهای عمیقی دست بگریبان است برای رقصاندن ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی به ساز خویش تردستی ویژه ای دارد. وزیر، وکیل، ژورنالیست خود را به صحنه آورد تا محملی برای تهییج عمومی ناسیونالیسم ایرانی به بهانه "تجزیه طلبی"، تعرض به استقلال و "تمامیت ارضی" بوجود آورد.

بصفت شدن ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در پشت سیاست های ارتجاعی حکومت اسلامی امر تازه ای نیست. بارها اینها ثابت کرده اند که هم جنس اند و شریک دزد و رفیق قافله. عربده ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و زوزه گرگ های خاکستری نیز دردی از حاکمیت اسلامی را دوا نخواهد کرد.

۱۶ دسامبر ۲۰۲۰

## رژه ناسیونالیست ها و نفرت پراکنی ملی

سیاوش دانشور

رژه ارتش ترکیه برای "پیروزی" آذربایجان بر ارمنستان در جنگ ۴۴ روزه قره باغ سکوتی شد برای نفرت پراکنی ملی و پان ترکیستی اردوغان. اظهارات مالیخولیائی اردوغان فاشیست، از یکسو مراتب ابراز خوشحالی هم جنس های وی در ایران که شعار "مرگ بر فارس و کرد" سر می دهند را فراهم کرد و از سوی دیگر رگ ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در جمهوری اسلامی را تحریک و بیدار کرد. ناگهان ناسیونالیسم توسری خورده ایرانی یادش افتاد که زمانی خاورمیانه زیر سلطه ایران بوده و فلان نماینده مجلس از "زدن بیرق ایران بر اسکندریه" سخن گفت. طرف عرضه ندارد فاضلاب خوزستان را در بیست سال درست کند اما الان میخواد امپراطوری ایران را احیا کند!! توهمات مزمن اردوغان برای احیای امپراطوری عثمانی با مهمل گوئی و توهمات ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی از یک جنس اند. و جالب است که در این کشمکش فاشیستهای متفرقه ناگهان نادر شاه افشار و قتل و جنایات هولناکش موضوعیت یافت. همیشه اینطور بوده است. افتخارات ملی هر شاخه ناسیونالیسم روی دوش قتل و جنایت "ملت" دیگر تامین می شود. دفاع از "وطن و ناموس" هر شاخه ای از این اردوی ارتجاعی فقط روی دوش تجاوز به "وطن و ناموس" دیگری معنی دارد. تاریخ رقابت و جنگ ملی و میهنی و وطنی تاریخ کثافت و جنایت است. ناسیونالیسم و عرق ملی برآستی دون شان هر انسانی است که با هر روایتی به آزادی فکر می کند.\*

## اطلاعیه پایانی

## جلسه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

در تقابل با آنها بیش از پیش در داخل و خارج صفوف جنبش رادیکال سرنوینی طلب و حرکت سوسیالیستی را تقویت و جلو راند. دفتر سیاسی حزب طی بیانیه‌ها و مباحثی در دو ماه گذشته این چهارچوبها را طرح کرده و تناقضات حکومت و اپوزیسیون بورژوازی امروز با تحولات در آمریکا و کشمکش‌های منطقه‌ای و کشته شدن فخری زاده بیشتر دهن باز کرده است. جمهوری اسلامی در سطح منطقه ضعیف‌تر اعتراض و نفرت جامعه به حکومت آشکارتر شده است.

در دستور اقدامات حزب در شرایط ویژه کنونی، سندی داخلی از جانب هیئت اجرایی حزب به نشست ارائه شده بود. دفتر سیاسی باتفاق آرا این سند را تصویب و روال اجرایی کردن آنرا تعیین کرد.

در دستور بزرگداشت صد و پنجاهمین سالروز کمون پاریس، دفتر سیاسی اجرایی کردن قرار مصوب پلنوم ۴۱ را با طرحی با اقدامات مشخص که به جلسه ارائه شده بود باتفاق آرا تصویب کرد.

در باره چگونگی برگزاری پلنوم ۴۲ حزب، جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی بحث را ارائه داد. نشست دفتر سیاسی نظر به چشم انداز تداوم پاندمی کرونا و عدم امکان برگزاری جلسه حضوری، تصمیم گرفت که پلنوم ۴۲ حزب را بصورت اینترنتی در ماه مارس ۲۰۲۱ برگزار کند.

آخرین دستور نشست دفتر سیاسی انتخابات بود. نشست دفتر سیاسی سیاوش دانشور را به اتفاق آراء بعنوان رئیس دفتر سیاسی و پنج عضو دیگر خود را برای هیئت اجرایی انتخاب کرد. به این ترتیب هیئت اجرایی حزب عبارتند از: پروین کابلی، رحمان حسین زاده، سیاوش دانشور، صالح سرداری، عبدالله دارابی و ناصر مرادی.

## دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۵ دسامبر ۲۰۲۰ - ۲۵ آذر ۱۳۹۹

**"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"**

منصور حکمت

روز شنبه ۵ دسامبر ۲۰۲۰ برابر با ۱۵ آذر ۱۳۹۹، جلسه دوم ماه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی برگزار شد.

جلسه دفتر سیاسی دستورهای زیر را مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱- گزارش سیاسی و فعالیت کمیته‌ها و ارگانهای حزب. ۲- مروری بر اوضاع رژیم اسلامی، صفتبندیهای جدید در اپوزیسیون بعد از انتخاب آمریکا و جهتگیری سیاسی و عملی ما. ۳- سند اقدامات حزب در شرایط ویژه کنونی. ۴- طرح بزرگداشت سالروز کمون پاریس. ۵- پلنوم ۴۲ حزب. ۶- قرار و قطعنامه. ۷- انتخابات.

در بحث گزارش سیاوش دانشور به مباحث و مسائل مهم سیاسی ایران و جهان که ایندوره رهبری حزب و دفتر سیاسی با آن درگیر بوده، مسائل مطرح و میرم در مبارزات و اعتصابات جنبش کارگری و سیاستهایی که حزب دنبال و اتخاذ کرده است، عمدتاً حضور سیاسی اعضای رهبری حزب در رسانه‌های پربیننده، اقدامات تشکیلاتی در قلمرو مالی و آموزشی، همکاری با نیروهای چپ و کمونیست، همینطور محدودیت‌ها و کمبودها از جمله ظاهر نشدن حزب با تمام ظرفیت و نیازهای وضعیت سیاسی پیش رو اشاره کرد. رفقای مسئول کمیته‌های کردستان، خارج، داخل، تلویزیون، صالح سرداری و پروین کابلی و رحمان حسین زاده و سیوان کریمی نیز به اقدامات انجام شده و نیازهای ضروری به جلسه گزارش دادند. دفتر سیاسی ضمن برسمیت شناسی محدودیتهای واقعی ایجاد شده در دنیا و ایران بدلیل شرایط پاندمی کرونا و تاثیرات مخرب آن، با تائید سیاستهای حزب در مسائل مهم بر توجه و تلاش برای اشکال جدید متناسب با اوضاع و چهارچوبهای کار حزب برای دخالتگری بیشتر و پاسخ به امر تامین رهبری و سازماندهی تاکید کرد.

مبحث بعدی مروری بر اوضاع رژیم اسلامی، صفتبندیهای جدید در اپوزیسیون بعد از انتخاب آمریکا و جهتگیری سیاسی و عملی حزب بود. سیاوش دانشور در این بحث از جمله بر اقدامات رژیم اسلامی برای فشرده شدن و نیاز به تغییر آرایش از جمله یکدست شدن بیشتر حکومت برای مواجهه با برآمدهای داخلی و بحران حاد حکومت، امیدواری به پیروزی بایند برای کاهش فشارها و وقت خریدن برای مذاکره و رفع فشارها و تحمیل سیاست انتظار به جامعه، فلج شدن و بی‌اقتی مجدد اپوزیسیون پرو ترامپ و رژیم چینجی و قطبی شدن بیشتر جنبشهای متخاصم طبقاتی اشاره داشت. دفتر سیاسی در عین حال تاکید داشت که اپوزیسیون بورژوازی ایران تلاش می‌کند خود را با اوضاع جدید و تحولات بعد از انتخابات آمریکا انطباق دهد و ضروری است

از یادداشتهای فیسبوک

## رویدادهای کردستان عراق

## حکومت ناسیونالیستی، چماق "انترناسیونالیستی"

سیاوش دانشور

"انترناسیونالیست" است. انگار کپی هم هستند، یک چاپ و یک روش و یک زبان و یک استدلال دارند. بسیار دشوار بنظر می رسد که حکومت اقلیم در متن تحولات جاری خاورمیانه بتواند تعادل خود را در یک دوره قابل پیش بینی حفظ کند. سالهاست که همین حکومت اقلیم علیرغم جنگ و سازش ها دو بخش کاملا مجزا شده و منطقه تحت سلطه اتحادیه میهنی و حتی مشکلات درونی این حزب را رژیم اسلامی و سپاه پاسداران رفع و رجوع می کند.

احزاب ناسیونالیستی حتی جریانی برای رفع ستم ملی نیستند چون رفع ستم ملی و حل مسئله ملی فلسفه وجودیشان را نفی میکند. رویدادهای کردستان عراق، گوشه ای از روند عمیق تر اعتراضی جاری در منطقه است. بورژوازی برای بازسازی خاورمیانه و ایجاد تعادل های جدید در متن کشمکش قدرتهای منطقه ای و جهانی تلاش می کند. بورژوازی کرد تافته جدا بافته از این روندها نیست، سهل است، بازیگر لیگ دوم و سوم آن هم بحساب نمی آید. در مقابل این سیر جهانی و منطقه ای، توده مردم زحمتکش و ناراضی و نسل جدید نیز تلاش دارد مهر خود را بر سیر تحولات بزند، حتی اگر کارگر کرد در سلیمانیه خود را در این قامت نبیند.

امروز نسل جوان و توده بپاخاسته برای استیفای حقوق ملی بمیدان نیامده است، بلکه نان و آزادی می خواهد. صدای این مردم در بیروت و بغداد و سانتیاگو و تهران یکی است و ضروری است هرچه قویتر این صداها در هم بیچند و حرف واحدی را بزند. ناسیونالیسم تنها نگرش واپسگرایی محدود و محلی به جهان و مسائل بشر امروز نیست، ابزار کور کردن طبقه کارگر در تحولات مهم و تبدیل بخشهای مختلف طبقه ما به سرباز دون پایه جنگ و رقابت بر سر منافع اقلشار مختلف بورژوازی است.

\*\*\*

## جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

## بدون امید سوسیالیسم،

## بدون «خطر» سوسیالیسم،

## به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

حکومت اقلیم در کردستان عراق تحفه "نظم نوین جهانی" بوش و حمله آمریکا به عراق است. یک دوست گرامی با تعجب سوال کرد که "چرا اینها مردم خودشان را به گلوله می بندند و سران شان مثل خامنه ای عمل می کنند، مگر قرار نبود که کردها آزاد شود و بار دیگر شاهد انفال و سرکوبهای نوع صدام حسین نباشند؟"

دوست گرامی، این اولین بار نیست که احزاب ناسیونالیست حاکم جوانان گرسنه و بیکار را به جرم خواستن نان و دستمزد به گلوله می بندند. آخرین بار هم نخواهد بود. اگر صدای مردم کارگر و زحمتکش، توده گرسنه، جوانان بیکار و بی آینده و زنان را بشنود، پاسخ سواتان را بروشنی می گیرید. صدام حسین البته دیکتاتور و جنایتکار و قاتل مردم عراق و مردم کردستان بود. اما همین مردم مدتهاست که به احزاب حاکم لقب "فرعون" داده اند، این عنوان در تاریخ قدیم جهان عرب و منطقه بسیار گویاست. کم نیستند مردمی که فکر می کنند صدام هر چه بود از اینها بهتر بود.

این بورژوازی است، بدون کم و زیاد. بورژوازی همه جا پرچم و علم و کُتُل ملی را هوا می کند چون به بازار داخلی و تیول نیاز دارد. بازاری برای سهم بری از استثمار طبقه کارگر "خودی" و رقابت با بورژواهای اخوی در منطقه. این حاکمیت احزاب ارتجاعی بورژوازی کرد و متکی به سیستم عشیره ای است که تاریخ شان با نوکری دولتهای منطقه از جمهوری اسلامی و ترکیه و عراق تا بلدچی شدن ارتش آمریکا عجین است. این ماحصل سیستم قومی - مذهبی- توافقی فدرالیسم است که از عراق و لبنان تا کردستان عراق مورد تهاجم نسل جدید و مردم کارگر و زحمتکش است. این همان فدرالیسم است که احزاب ناسیونالیست و قومی در کردستان ایران هر شب با لالائی آن به خواب میروند و با رویای آن بیدار می شوند. احزابی که برای رسیدن به این آرزوی روزی دم در پنتاگون و کاخ سفید پرسه میزنند و روزی در "مذاکره" با جمهوری اسلامی بر سر آینده مردم کردستان ایران بند و بست می کنند.

این "احزاب کوردی" خودشان جزو صورت مسئله هستند نه راه حل رفع ستم و تبعیض ملی. بورژوازی نظر به داده کشور و مرزها در دنیای امروز و بنا به نیاز سهم بری از بازار داخلی و استثمار طبقه کارگر به "هویت ملی" و "پرچم ملی" و "تاریخ و افتخارات ملی" نیاز دارد، اما همین بورژوازی در قانون استثمار و تحمیل بردگی، در سرکوب سیاسی و اختناق، در نیروی ضد شورش و ابزار و روشهای سرکوب، در ادبیات تقابل با کارگر و مردم ناراضی، در تلمبار ثروت جامعه در حساب بانکی خانوادگی و عده ای طفیلی، بشدت

# یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

## "دست پخت"، فرهنگ تحقیر زحمتکشان "از شغل بابات خجالت نمی کشی"!!

سیاوش دانشور

"دست پخت" یک برنامه تلویزیونی مسابقه است که چند دانش آموز و نوجوان را به استودیو دعوت کرده است. مجری بی شعور برنامه، که سمبل شعور بورژوازی و سلبریتی های ایرانی است، از یکی از شرکت کنندگان شغل پدرش را می پرسد که راننده تاکسی است. او بخودش اجازه میدهد با ادا و اطوار و لحن بیمزه و کریه از این دختر خانم بپرسد: "اینکه پدرت راننده تاکسی است باعث خجالت شما نمی شود؟! کل شعور و فیس و افاده این طبقه یارای پاسخ خونسرد و روشن این دختر خانم نازنین را ندارد که نفس کار را پاس میدارد و میگوید نباید که همه دکتز و مهندس باشند!

کثافت به معنی دقیق کلمه از سر و روی نظام اسلامی می بارد. تولید محتوای فرهنگ ایرانی- اسلامی خیره کننده است. کمتر شیخ و شیخک سعودی و کشورهای حاشیه خلیج که در تحقیر کارگران و شکنجه آنان شهره آفاق اند، مانند اسلاف ایرانی شان چنین شتابان بسوی لجن تاخته اند. تحقیر زحمتکشان برای بورژوازی بی تربیت و وقیح ایران یک وسیله تفریح و مزه پراکنی است. این فرهنگ مهوع، این بی شخصیتی عام سلبریتی ایرانی، این از خود راضی بودن و اجازه دست درازی به هر قلمروی، این هار بودن و بی پروائی در شناخت؛ از محصولات حکومت مستضعفان خمینی - خامنه ای و جبهه جدیدی است که بورژوازی ایران علیه مردم کارگر و زحمتکش گشوده است. بچه آخوندها و تحفه هائی که دنیایشان "دور دور" شبانه در خیابان های شمال تهران با پورشه و لامبورگینی و مهمانی های "از ما بهتران" است، کسانی که بی شخصیتی عام طبقه شان را با فرهنگ تحقیر زحمتکشان زینت می دهند، سلبریتی هائی که در دنیای لجن ها میخاوند "کسی" باشند و "مشهور" شوند!

فرهنگ و اخلاقیات مسلط در هر جامعه ای فرهنگ طبقه حاکم است. فرهنگی که آوارش برسر طبقه ما هم می ریزد و ناخودآگاه قبول می کنیم که "ما باید از خود شرمند باشیم!" هیچوقت یادم نمی رود آن کارگر شریف شهرداری را که نمی خواست دخترش میان دوستانش "احساس تحقیر" کند و شغلش را پنهان می کرد. اما آن دختر فهیم و نازنین شبانه سراغ پدرش آمد، در آغوش کشید و گفت "بابا من به تو افتخار می کنم!"

برنامه "دست پخت" و مجری لوس و وقیح آن تنها یک نمونه از دست پخت بورژوازی ایران و محصولات فرهنگی اش است. فرهنگی که مکمل فقر و فاقه اکثریتی عظیم در مقابل اشرافیت اقلیتی ناچیز و طفیلی است. این اوضاع که از هر منفذش لجن و حقارت می بارد، تنها با یک انقلاب اجتماعی درمان می شود. انقلابی که نه تنها باید سلطه سیاسی طبقه بورژوازی و مناسبات اقتصادی حاکم را درهم بکوبد بلکه لجن فکری و فرهنگی بورژوازی را لایروبی کند. \*

اعلامیه حزب حکمتیست

## اعدام روح اله زم، ترور ارسلان رضائی

سحرگاه امروز شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۹۹ روح اله زم مسئول و آدمین کانال آمد نیوز اعدام شد. زم طی یک آدم ربائی به ایران منتقل شد و امروز اعدام شد. روز گذشته نیز ارسلان رضائی آدمین کانال خرافاتکده با ضربات چاقو در منزل خویش در ترکیه به قتل رسید. یک کانال سایبری سپاه پاسداران بلافاصله خبر این ترور را با خوشحالی منتشر کرد و نوشت: "شخصی به اسم ارسلان رضایی که آدمین چندین صفحه اینستاگرامی معاند و ضد اسلام و مقدسات دینی همچون پیچ خرافات کده بود کشته شد".

اعدام روح اله زم، که زمانی کنار رژیم اسلامی بود و هنوز پدرش از عناصر مهم حکومت است، این پیام را دارد که جمهوری اسلامی هیچ نوع مخالفت سیاسی را تحمل نمی کند. ترور ارسلان رضائی در ترکیه بدلیل تبلیغ عقاید ضد مذهبی و آخرین اقدامات تروریستی رژیم در هلند و دانمارک و فرانسه و کشورهای اروپا نشان میدهد که سازمان ترور رژیم اسلامی فعالانه کار میکند و هر جا دستش برسد لحظه ای تردید نمی کند. هدف اعدام و ترور تنها ایجاد وحشت میان جامعه و مخالفین سیاسی و به سکوت کشاندن آنها نیست، بلکه انعکاس وحشت سرنگونی میان خود حکومت نیز هست.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعدام روح اله زم و ترور ارسلان رضائی را قویا محکوم میکند. این اقدامات جبرانه نمی تواند جمهوری اسلامی را نجات دهد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۲ آذر ۱۳۹۹ - ۱۲ دسامبر ۲۰۲۰

## دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گردہا، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیسٹ

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!